

اثر نهادها بر روی تجارت دو جانبه کشورهای منتخب خاورمیانه

دکتر کریم آذربایجانی^{*}، ندا سمیعی^{**} و همایون شیرازی^{***}

تاریخ دریافت: ۸۸/۱۱/۱ تاریخ پذیرش: ۹۰/۲/۲۰

تجارت جهانی با سرعت چشمگیری در دهه‌های گذشته رشد یافته است. برخی از محققین بر این باورند که علی‌رغم رشد روزافزون تجارت، میزان تجارت جهان کمتر از میزان بالقوه‌ای است که می‌توان به آن دست یافت. از دیدگاه این افراد علاوه بر هزینه‌های حمل و نقل و مرسوم معاملات، هزینه‌های ناملموس دیگری وجود دارند که منجر به کاهش تجارت می‌گردند. کیفیت و کارآمدی نهادها یکی از این عواملی است که می‌تواند بر روی هزینه‌های مبادلات اثرگذار باشد. در این مقاله اثر نهادها بر جریان‌های تجاری کشورهای منتخب منطقه خاورمیانه بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۸ میلادی با بکارگیری مدل جاذبه و روش داده‌های تابلویی بررسی شده است. این کشورها عبارت از بحرین، ایران، عمان، عربستان، امارات، اردن، یمن، قطر و کویت هستند که به دلیل امکان دسترسی به داده‌ها و اطلاعات مورد نظر انتخاب شده‌اند. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که در مقایسه با سایر عوامل مؤثر بر روی تجارت دوطرفه، کیفیت نهادها از اثرگذاری بیشتری برخوردار است به طوری که یک واحد افزایش در شاخص کیفیت نهادها در کشور صادرکننده و واردکننده کالا به ترتیب افزایش ۱/۵۸ و ۰/۷ درصدی تجارت را بین جفت کشورهای مورد بررسی به همراه دارد. از این رو نتیجه می‌شود کشورهایی با نهادهای بهتر تمایل به تجارت بیشتر دارند.

واژه‌های کلیدی: کیفیت نهادها^۱، شاخص‌های حکمرانی^۲، مدل جاذبه^۳، داده‌های تابلویی^۴.

k_azarbayjani@ase.ui.ac.ir

nedasamieci@gmail.com

homayoon.shirazi@gmail.com

1. Quality of Institutions
2. Governance Indicators
3. Gravity Model
4. Panel Data

* عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان

** دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه اصفهان

*** دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه شیراز

۱. مقدمه

براساس تئوری‌ها و نظریه‌های اقتصاددانانی همچون آدام اسمیت^۱، استوارت میل^۲، هیوم^۳، ریکاردو^۴، ساموئلسون^۵، رومر^۶ و دیگران، تجارت آزاد می‌تواند باعث افزایش رشد اقتصادی گردد تا جایی که آدام اسمیت، پدر علم اقتصاد، از تجارت به عنوان موتور رشد یاد می‌کند. با پیشرفت تکنولوژی و افزایش بهره‌وری، حجم تجارت جهانی افزایش چشمگیری یافته است به طوری که براساس آمار رسمی سازمان تجارت جهانی حجم مبادلات بین‌المللی از ۶۲ میلیارد دلار در سال ۱۹۴۸ به میزان ۱۶۱۲۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۸ میلادی افزایش یافته است و همچنین سهم تجارت در تولید ناخالص ملی از میزان ۲۵ درصد در سال ۱۹۶۰ میلادی به ۵۸ درصد در سال ۲۰۰۱ میلادی رسیده است^۷. علی‌رغم این افزایش چشمگیر تجارت، نظریه‌های مرسوم تجارت به بیان این مسأله می‌پردازند که حجم کنونی تجارت گویای استفاده از همه پتانسیل‌های موجود نیست و میزان مبادلات باید بیش از مقدار کنونی باشد. در ادبیات اقتصاد بین‌الملل از این مسأله به عنوان «معمای تجارت از دست رفته» یاد می‌شود^۸.

تعرفه‌های گمرکی و سهمیه‌ها از جمله عواملی هستند که می‌توانند باعث کاهش حجم تجارت جهانی گردند^۹. اما در سالیان اخیر پژوهش‌های متعددی به منظور شناسایی عوامل دیگری که تا به حال کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند و می‌توانند ما را در یافتن پاسخ مناسب برای حل معمای تجارت از دست رفته یاری کنند، صورت گرفته است. برای مثال راش^{۱۰} اطلاعات، هزینه و ارزش آنها را از جمله عواملی می‌داند که در تجارت جهانی تأثیرگذار است. در طرف دیگر

-
1. Adam Smith
 2. Stuart Mill
 3. Hume
 4. Ricardo
 5. Samuelson
 6. Romer

۷. آمار بانک جهانی، (۲۰۰۳).

۸. دی‌گروت و دیگران، (۲۰۰۳)، ص ۱.

۹. مسلماً بسته به شرایط هر کشور و ساختار اقتصادی آن وضع تعرفه مطلوب و غیرمطلوب آثار متفاوتی را برای آن کشور خاص به ارمغان می‌آورد اما در نهایت می‌تواند باعث ناکارآمدی و کاهش حجم تجارت جهانی می‌گردد.

10. Rauch, (1999)

اثر نهادها بر روی تجارت دوجانبه کشورهای منتخب خاور میانه ۳

دردورف^۱، آستفلد و رگوف^۲ معتقدند که هزینه‌های ناآشکار تجارت بیش از تکنولوژی و نهاده‌ها به افزایش تجارت کمک می‌کنند. در این میان برخی از محققین نقش و اثر نهادهای اقتصادی را در تجارت خارجی پراهمیت می‌دانند. افرادی همچون اندرسن و مارکویلر^۳، دلار و کرای^۴، دی‌گروت^۵ و دیگران و جانسون و نرداس^۶ معتقدند که نهادهای اقتصادی نقش مؤثری در اقتصاد کشورها ایفا می‌کنند و عملکرد آنها می‌تواند پاسخی مناسب برای حل معمای تجارت باشد، در نتیجه افزایش عملکرد نهادها می‌تواند به افزایش تجارت کمک کند.

براساس تعریف نورث^۷ نهادها چیزی بیشتر از مدل‌های مشترک ذهنی یا راه‌حل‌های مشترک برای مشکلات تکراری جامعه نیستند. تنها به این دلیل که نهادها در اذهان افراد هستند، افراد رفتاری متناسب با آن را انجام می‌دهند^۸. همچنین هال و تیلور^۹ نهادها را به عنوان شیوه‌های رسمی و غیررسمی، عادات جاری، ارزش‌ها و قراردادهای ماندگار در ساختارهای سازمانی سیاسی یا اقتصاد سیاسی تعریف می‌کنند^{۱۰}.

نهادها باعث ساختارمند شدن انگیزه‌های نهفته در مبادلات بشری می‌شوند، چه این مبادلات سیاسی باشند چه اقتصادی و اجتماعی. می‌توان بین سه شکل از نهادها تمایز قائل شد (نهادهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی). قانون اساسی یک کشور نمونه‌ای از نهادهای سیاسی است که در آن ساختار کلی از نهادهای سیاسی تعریف شده است، برای نمونه نحوه انتخاب سیاستمداران و انتقال قدرت به آنها را توصیف می‌کند، به گونه‌ای که ممکن است قدرت را به یک رئیس‌جمهور که به طور دموکراتیک انتخاب شده است بدهد یا به یک دیکتاتور. بنابراین، نهادهای سیاسی شامل نوع حکومت، قدرت تخصیص داده شده و محدودیت‌های اعمال شده روی سیاستگذاران و نخبگان سیاسی است. نهادهای اقتصادی (مانند حقوق مالکیت) شکل دهنده محیط اقتصادی هستند که افراد و شرکت‌ها در آن فعالیت می‌کنند. نهادهای اقتصادی خود توسط نهادهای سیاسی و بطور کلی‌تر توسط نهادهای اجتماعی شکل یافته‌اند. به‌طور ویژه در ارتباط با توزیع منابع تضاد منافعی

1. Deardorff, (1998)
2. Obstfeld and Rogoff, (2000)
3. Anderson and Marcouiller, (2002)
4. Dollar and Kraay, (2002)
5. De Groot, (2003)
6. Jansen and Nordas, (2004)
7. North

۸. متوسلی و دیگران، (۱۳۸۸)، ص ۱۲۳.

9. Hall and Taylor

۱۰. متوسلی و دیگران، (۱۳۸۸)، ص ۱۱۸.

وجود دارد و تا حدی در مورد نهادهای اقتصادی. یک عامل مهم در تشخیص نتیجه چنین تضادی، تخصیص قدرت سیاسی است که خود آن به طور معناداری توسط ساختار نهادهای سیاسی متأثر می‌شود. اینکه چه نوع نهاد اقتصادی در جامعه برقرار خواهد شد به این موضوع بستگی دارد چه کسی قدرت سیاسی برای ایجاد یا مسدود کردن نهادهای اقتصادی در اختیار دارد. آموزش، بهداشت، حمایت از شهروندان فقیر و ناتوان از تحصیل در آمد مورد قبول برای زندگی، آداب و رسوم و ارزش‌ها از جمله نهادهای اجتماعی رسمی و غیررسمی در یک جامعه است که در شکل دادن محیط اقتصادی نقش مهمی دارند. فعالیت جمعی منافی را برای جامعه در پی دارد که با عمل فردی حاصل نمی‌شود. بنابراین، ابتکارات عمل جمعی موفقیت‌آمیز می‌تواند به عنوان بهبوددهنده رفاه به حساب آید. اما این عمل جمعی در کنار منافع هزینه‌هایی (مانند رفتارهای فرصت‌طلبانه و سواری مجانی در جهت حداکثرسازی منافع شخصی) را نیز دربر دارد و برای کاهش این هزینه‌ها ابزارهای اجتماعی نیاز است که نهادها ابزاری مناسب برای این منظور محسوب می‌شوند. به دلیل اینکه نهادها به حل مسائل مربوط به هماهنگی برنامه‌های کارگزاران، به ارتقای رفتارهای مشارکتی و ماورای فرصت‌طلبی کمک می‌کنند و پیامدهای خارجی کارگزاران را درونی کرده و همچنین باعث کاهش ناطمینانی در فعالیت‌ها می‌شوند.^۱

علی‌رغم مطالعات صورت گرفته در سالیان اخیر، نمی‌توان به نتیجه قطعی در مورد اثر نهادها بر روی تجارت جهانی دست یافت. هدف اصلی این مقاله بررسی اثر نهادهای اقتصادی بر جریان‌های تجاری کشورهای منتخب منطقه خاورمیانه است.

۲. مبانی نظری و مطالعات تجربی

تجارت جهانی شامل قراردادهایی است که بین افراد مختلف شکل می‌گیرد. بازرگانی که به مبادله کالاها می‌پردازند با کشورهایی سر و کار دارند که دارای سیستم‌های قضایی، نهادها، واحد پولی و گاهی زبان متفاوت هستند. همچنین در پاره‌ای از موارد طرفین قراردادها در دو مکان متفاوت و دور از هم قرار دارند و با توجه به این عوامل اقدام به صادر یا وارد کردن کالا با ناطمینانی فراوانی همراه است. برای مثال نحوه حمل و نقل کالاها و یا نحوه پرداخت و الزام به تعهدات بیان شده در قراردادها از جمله عواملی است که می‌تواند مبادلات را با ریسک و مخاطره مواجه سازد. نهادهای اقتصادی، حقوق مالکیت و قراردادهای مشخص می‌کنند و می‌توانند با

۱. عیسی‌زاده و دیگران، (۱۳۸۸)، ص ۶.

اثر نهادها بر روی تجارت دوجانبه کشورهای منتخب خاور میانه ۵

فراهم آوردن شرایطی، طرفین قراردادها را ملزم به پایبندی به تعهدات نمایند و از این راه باعث افزایش اطمینان در مبادلات جهانی گردند. به همین خاطر و در سالیان اخیر، نقش و اهمیت نهادها در روابط تجاری مورد توجه بیشتری قرار گرفته است. بررسی اثر نهادها یکی از مباحثی است که از نظر پیشینه تحقیق در مقایسه با دیگر موضوعات اقتصادی از سابقه کمتری برخوردار است. برخی از محققین به بررسی اثرات کیفیت نهادها بر روی درآمد سرانه پرداخته‌اند (هال و جونز^۱، کافمن و دیگران^۲، اسمگلو و دیگران^۳، و ایسترلای و لوین^۴، فرانکل و رومر^۵).

اندرسن و مارکوایلر (۲۰۰۰) در مطالعه‌ای تحت نام «نامنی و الگوی تجارت: یک مطالعه تجربی» به بررسی اثر نهادها روی تجارت پرداخته‌اند. آنها در ابتدا به بیان مدلی برای توصیف تقاضای واردات در شرایط نااطمینان پرداخته‌اند و سپس با استفاده از داده‌هایی که از مجمع جهانی اقتصادی^۶ جمع‌آوری کرده‌اند، به تخمین مدل بیان شده در مقاله پرداخته‌اند. براساس یافته‌های ایشان با افزایش کارایی کیفیت نهادها تجارت به میزان قابل توجهی افزایش می‌یابد و تأثیر نهادها بخصوص هنگامی که یک سیستم قانونی به منظور الزام به اجرای قراردادهای تجاری وجود داشته باشد و یا در صورتی که سیاست‌های اقتصادی دولت شفاف و غیرمغرضانه باشد بیشتر می‌گردد. برای مثال اگر شاخصی که برای کشورهای امریکای لاتین و به منظور بررسی اثر نهادهای اقتصادی در مقاله بکار گرفته شده است به اندازه شاخص اتحادیه اروپا گردد (با فرض ثابت بودن سایر شرایط) تجارت کشورهای امریکای لاتین ۳۰ درصد افزایش می‌یابد.

دلار و کرای (۲۰۰۲) در پژوهشی با عنوان «نهادها، تجارت و رشد» به بررسی اثر نهادها بر روی تجارت پرداخته‌اند. از دیدگاه ایشان کشورهای با نهادهایی بهتر به همراه کشورهای که حجم تجاری قابل توجهی دارند، دارای رشد سریعتری هستند. همچنین کشورهای که دارای نهادهای بهتری هستند، تمایل به تجارت بیشتری دارند. ایشان در ابتدا به بررسی اثر تجارت و نهادها بر روی رشد اقتصادی در سال ۲۰۰۱ و با بکارگیری داده‌های مقطعی و متغیرهای ابزاری پرداختند اما به علت همبستگی شدید متغیرهای لحاظ شده نتایج قابل اطمینانی بدست نیامد. سپس آنها با استفاده از داده‌های ترکیبی نامتوازن به بررسی اثر تجارت و نهادها بر رشد اقتصادی

1. Hall and Jones, (1999)
2. Kaufmann *et al*, (1999)
3. Acemoglu *et al*, (2001)
4. Easterly and Levine, (2002)
5. Frankel and Romer, (1999)
6. World Economic Forum

پرداختند. آنها با استفاده از شاخص حکمرانی قانون^۱ (که توسط مؤسسه ICRG محاسبه شده است) اثر نهادها بر سهم تجارت از درآمد ملی را مورد بررسی قرار دادند و بر اساس نتایج پژوهش آنها، نهادها می‌توانند باعث افزایش تجارت در کوتاه‌مدت گردند. همچنین در مقایسه با تجارت، نهادها اثر ضعیف‌تر و کمتری بر روی رشد اقتصادی در بلندمدت به همراه دارند.

دی گروت و دیگران در مقاله‌ای در سال ۲۰۰۳ به بررسی اثر نهادها بر روی جریان‌های تجاری پرداخته‌اند. آنها با بکارگیری مدل جاذبه اثر نهادها را با استفاده از داده‌های مقطعی در سال ۱۹۹۸ بررسی کرده‌اند. مدلی که در مطالعه آنها مورد استفاده قرار گرفته است، بدین گونه است:

$$\begin{aligned} \ln(T_{ij}) = & \beta_0 + \beta_1 \ln(Y_i) + \beta_2 \ln(Y_j) + \beta_3 \ln(y_i) + \beta_4 \ln(y_j) + \beta_5 (D_{ij}) \\ & + \beta_6 Ad_{ij} + \beta_7 Lang_{ij} + \beta_8 PTA_{ij} + \beta_9 Religion_{ij} + \beta_{10} Col_{ij} \\ & + \beta_{11} Inst_i + \beta_{12} Inst_j + \beta_{13} SimInst_{ij} + \varepsilon_{ij} \end{aligned}$$

که در آن i و j به ترتیب معرف کشور صادرکننده و واردکننده کالا است. T_{ij} صادرات کالا از کشور i به کشور j در سال ۱۹۹۸ است. متغیرهای مستقل مورد استفاده در این مقاله درآمد ملی (Y)، درآمد سرانه (y)، فاصله جغرافیایی بین کشور i و j (D_{ij}) است. همچنین در این پژوهش متغیرهای مجازی به منظور بررسی اثر مرز زمینی Ad_j ، زبان مشترک $Lang$ ، عضویت در موافقت‌نامه تجاری PTA ، دین رسمی $Religion$ ، و سابقه مستعمراتی مشترک (Col) در نظر گرفته شده است. دو متغیر اساسی در نظر گرفته شده در مدل $Inst$ و $SimInst$ هستند که به ترتیب به منظور بررسی اثر کیفیت نهادها بر روی تجارت و اثر شباهت نهادها در کشور صادرکننده و واردکننده کالا به کار گرفته شده‌اند. ε_{ij} نیز معرف جمله خطا است.

آنها در این مقاله از شاخص‌های حکمرانی^۲ که توسط کافمن و دیگران محاسبه گردیده است، استفاده کرده‌اند و در ابتدا به بررسی اثر هر یک از شش شاخص حکمرانی (به صورت منفرد) بر روی جریان‌های تجاری کشورها پرداخته‌اند و بار دیگر میانگین ساده تمام شش شاخص را در مدل لحاظ کرده‌اند. براساس یافته‌های ایشان بهبود عملکرد نهادها باعث افزایش تجارت به میزان ۳۰ تا ۴۴ درصد می‌گردد و در کشورهایی که دارای نهادهایی شبیه به یکدیگر هستند، حجم تجارت به میزان ۱۳ درصد در مقایسه با کشورهایی که دارای نهادهایی متفاوت هستند افزایش می‌یابد.

1. Rule of Law
2. Governance Indicators

۷ اثر نهادها بر روی تجارت دوجانبه کشورهای منتخب خاور میانه

جانسن و نرداس (۲۰۰۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «نهادها، سیاست تجاری و جریان‌های تجاری» به بررسی تأثیر نهادهای داخلی بر جریان‌های تجاری پرداختند. آنها در این مقاله به منظور بررسی اثر نهادها از سه شاخص کنترل فساد^۱، حکمرانی قانون و کارایی دولت^۲ (که توسط کافمن و دیگران محاسبه شده است) استفاده کردند. در این پژوهش یکبار اثر نهادها و زیرساخت‌های اقتصادی بر روی آزادی تجاری (که با شاخص سهم تجارت از درآمد ملی اندازه‌گیری شده است) مورد توجه قرار گرفته است و در قسمت دوم اثر نهادها و زیرساخت‌های اقتصادی بر مدل جاذبه مورد تأکید قرار داده شده است. در معادله اول، اثر شاخص کنترل فساد، حکمرانی قانون و کارایی دولت به صورت مجزا و به همراه شاخص‌هایی به منظور بررسی اثر زیرساخت‌های اقتصادی بر روی آزادی تجاری اندازه‌گیری شده است. در هر سه معادله تخمین زده شده این شاخص‌ها معنی‌دار و بر روی تجارت اثر گذار بوده‌اند. در معادله جاذبه که در قسمت دوم مورد توجه قرار گرفته است نیز سه شاخص در نظر گرفته شده به منظور بررسی اثر نهادها مورد ارزیابی قرار گرفته است. در این حالت هنگامی که اثر زیرساخت‌های اقتصادی در مدل مورد ملاحظه قرار می‌گیرد، تنها شاخص کارایی حکومت معنی‌دار باقی می‌ماند. براساس نتایج این پژوهش، نمی‌توانیم در مورد اثر نهادها بر روی تجارت با قاطعیت سخن بگوییم و نیاز به مطالعات بیشتری به منظور یافتن پاسخ مناسب برای اثرگذاری نهادهای اقتصادی بر جریان‌های تجاری مورد نیاز است. نتایج پژوهش‌های انجام گرفته بر روی اثر نهادها بر روی تجارت را می‌توان در جدول ۱ خلاصه کرد.

۳. معرفی شاخص‌های کیفیت نهادها

برای بررسی میزان اثرگذاری نهادها نیاز به اندازه‌گیری کیفیت نهادهاست. نخستین سؤالی که در این مرحله مطرح می‌شود آن است که منظور از کیفیت نهادها چیست و چگونه می‌توان کیفیت نهادها را که ماهیتی ذهنی دارد، بصورت کمی اندازه‌گیری نمود؟ در تمامی پژوهش‌های بیان شده در قسمت قبل با استفاده از شاخص‌ها و متغیرهای جایگزین، کیفیت نهادها مورد بررسی قرار گرفته است که در ادامه به بیان این شاخص‌ها می‌پردازیم.

1. Control of Corruption
2. Government Effectiveness

جدول ۱. خلاصه‌ای از نتایج مطالعات صورت گرفته

نوع اثر نهادها بر روی تجارت	سال پژوهش	محقق
اثر مثبت	۲۰۰۰	اندرسن و مارکویلر
در کوتاه‌مدت اثر مثبت	۲۰۰۲	دلار و کرای
اثر مثبت	۲۰۰۳	دی‌گروت و دیگران
نامعلوم	۲۰۰۴	جانسن و نرداس
اثر مثبت	۲۰۰۴	برکویتز ^۱ و دیگران
نامعلوم	۲۰۰۵	لاوالی ^۲
اثر مثبت	۲۰۰۶	گانی و پراساد ^۳
اثر مثبت روی صادرات کالاهای صنعتی	۲۰۰۸	مئون و سکت ^۴

بانک جهانی و راهنمای بین‌المللی ریسک کشور^۵ (ICRG) مهمترین سازمان‌هایی هستند که از آمارها و شاخص‌های آنها در مقالات گوناگون و به منظور بررسی اثر نهادها استفاده شده است. شاخص‌های محاسبه شده توسط بانک جهانی در مقایسه با راهنمای بین‌المللی ریسک کشور از سابقه کمتری برخوردارند. شاخص‌های بانک جهانی توسط کافمن و دیگران^۶ و برای نخستین بار در سال ۱۹۹۶ اندازه‌گیری شده‌اند و از سال ۲۰۰۲ تا سال ۲۰۰۸ به صورت سالانه محاسبه گردیده‌اند. این شاخص‌ها براساس داده‌های ذهنی و اطلاعاتی است که از چندین مؤسسه غیردولتی بدست آمده است. در هر یک از این شاخص‌ها به کشورها امتیازی در بازه ۲/۵- تا ۵/۲ داده می‌شود و کشوری که دارای امتیاز بیشتری است، دارای وضعیت بهتری در شاخص مورد بررسی است. در ادامه به معرفی این شاخص می‌پردازیم.^۷

الف) حق اظهار نظر و پاسخگویی^۸: به محاسبه و اندازه‌گیری این موضوع می‌پردازد که مردم کدام کشورها می‌توانند حکومت خود را انتخاب کنند و از آزادی بیان، تجمعات و رسانه برخوردار گردند.

1. Berkowitz
2. Lavallee
3. Gani and Prasad
4. Meon and Sekkat
5. International Country Risk Guide (ICRG)
6. Kaufmann *et al.*, (2009)

۷. این تعاریف توسط بانک جهانی برای شاخص‌های حکمرانی بیان شده است.

<http://info.worldbank.org/governance/wgi/faq.htm>

8. Voice & Accountability (VA)

اثر نهادها بر روی تجارت دوجانبه کشورهای منتخب خاور میانه ۹

(ب) **ثبات سیاسی و عدم خشونت**^۱: به اندازه گیری این مسئله می پردازد که دولت با برخلاف قانون اساسی عمل کردن یا مستبد بودن (مثل خشونت سیاسی و تروریسم) بی ثبات یا منقرض خواهد شد.

(ج) **اثر بخشی دولت**^۲: به اندازه گیری کیفیت خدمات عمومی، کیفیت خدمات اجتماعی و درجه استقلال آنها از فشارهای سیاسی می پردازد و کیفیت وضع و اجرای قوانین و اعتبار و تعهدات دولت برای انجام این سیاستها را بررسی می کند.

(د) **کیفیت قوانین و مقررات**^۳: توانایی دولت برای تنظیم و اجرای سیاستهای درست و قوانینی که به پیشرفت و توسعه بخش خصوصی کمک می نماید را اندازه گیری می کند.

(ه) **حاکمیت قانون**^۴: کیفیت سیستم قضایی قانونی و رسمی یک کشور را نشان می دهد و به اندازه گیری میزان اطمینان و وفاداری کارگزاران به قوانین جامعه (به خصوص در مورد کیفیت پلیس، دادگاهها و الزام به اجرای قراردادها) می پردازد.

(و) **کنترل فساد**^۵: به اندازه گیری استفاده از قدرت دولتی به منظور کسب سود و نفع شخصی می پردازد. این شاخص، شاخص های کیفیت قوانین و مقررات و حاکمیت قانون را تکمیل می کند و اشاره به اثر حکمرانی بد بر روی روابط اقتصادی دارد.

ICRG نیز از جمله سازمانهایی است که به محاسبه ریسک سیاسی، مالی و اقتصادی کشورها می پردازد. داده های عینی جمع آوری شده در ابتدا در ۲۲ دسته کوچک جمع آوری می گردند و به وسیله آنها در ابتدا ۲۲ شاخص محاسبه می گردد. سپس این دسته های کوچک برای محاسبه سه شاخص ریسک سیاسی، مالی و اقتصادی مورد استفاده قرار می گیرند. بعضی از عوامل تشکیل دهنده این شاخصها عبارتند از: فساد در دولت، ثبات دولت، پاسخگویی دولت در برابر مردم، حاکمیت نظم و قانون، خطر بی اعتنائی به قراردادها، شکاف میان انتظارات مردم و عملکرد اقتصادی دولت، خطر بروز تنش های قومی، خطر بروز درگیری داخلی، خطر بروز درگیری خارجی و کیفیت دستگاه اداری. در بعضی از مقاله ها از تعدادی از این ۲۲ زیر شاخص به منظور

1. Political Stability And Absence Of Violence (PV)

2. Government Effectiveness (GE)

3. Regulatory Quality (RQ)

4. Rule Of Law (RL)

5. Control Of Corruption (CC)

۶. برای اطلاعات بیشتر در مورد روش شناسی شاخص به این سایت مراجعه فرماید

بررسی اثر نهادها استفاده گردیده است (برای مثال دلار و کرای از حاکمیت نظم و قانون استفاده کرده‌اند).

در این پژوهش از شاخص‌های حکمرانی که توسط بانک جهانی اعلام گردیده است، استفاده شده است. در این مقاله از روش دی گروت و دیگران استفاده شده است. به این معنی که یک شاخص مرکب به منظور بررسی اثر کیفیت نهادها بر روی روابط تجاری کشورهای منطقه خاورمیانه استفاده شده است. بر این اساس در ابتدا مجموع تمامی شش شاخص حق اظهارنظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی و عدم خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد محاسبه شده است و سپس میانگین ساده مجموع این شش شاخص محاسبه و به عنوان یک شاخص کلی در مدل لحاظ گردیده است.

۴. بررسی روند شاخص‌های حکمرانی و تجارت ایران

در نمودار ۱ روند هر کدام از شاخص‌های حکمرانی در بین سال‌های ۱۹۹۶ تا سال ۲۰۰۸ برای ایران نمایش داده شده است. همانگونه که در این نمودار مشخص است در مقایسه با سال ۱۹۹۸، وضعیت تمامی این شاخص‌ها در سال ۲۰۰۸ بدتر شده است. اگر به بررسی روند شاخص‌های مذکور در بین سالیان اخیر پردازیم، درمی‌یابیم که در بین شاخص‌ها، دو شاخص کیفیت قوانین و پاسخگویی در وضعیت نامناسب‌تری قرار دارند و در سالیان اخیر در تمامی شاخص‌ها به جز شاخص ثبات سیاسی روند نزولی دیده می‌شود. در مقایسه با سایر کشورهای مورد پژوهش^۱، کشور ایران از جایگاه مطلوبی برخوردار نیست به طوری که در میان این کشورها تنها کشور یمن عملکرد ضعیف‌تری به نسبت ایران داشته است و در این میان تنها کشورهای ایران، عربستان و یمن دارای شاخص‌هایی با امتیاز منفی هستند.

همانگونه که در نمودار شماره ۲ دیده می‌شود، نمودارهای رشد صادرات ایران به کشورهای مورد مطالعه و رشد میانگین شاخص‌های حکمرانی^۲ در بین سال‌های ۲۰۰۳ میلادی تا سال ۲۰۰۸ میلادی دارای روند تقریباً مشابهی هستند. در سال ۲۰۰۳ میلادی رشد صادرات کشور ایران به هشت کشور بحرین، اردن، امارات عربی متحده، عربستان سعودی، یمن، قطر، کویت و عمان برابر با ۰/۱۸۲ درصد بوده است که این میزان به ۰/۲۹۵ درصد در سال ۲۰۰۴ رسیده است. رشد

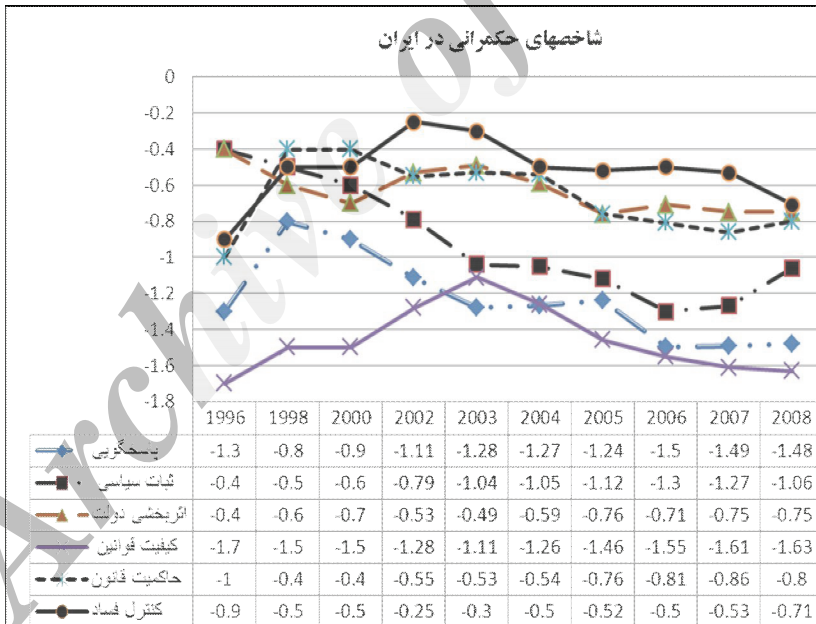
۱. کشورهای بحرین، ایران، عمان، عربستان، امارات، اردن، یمن، قطر و کویت

۲. که براساس میانگین ساده مجموع شش شاخص بیان شده در قسمت قبل بدست آمده است.

اثر نهادها بر روی تجارت دوجانبه کشورهای منتخب خاور میانه ۱۱

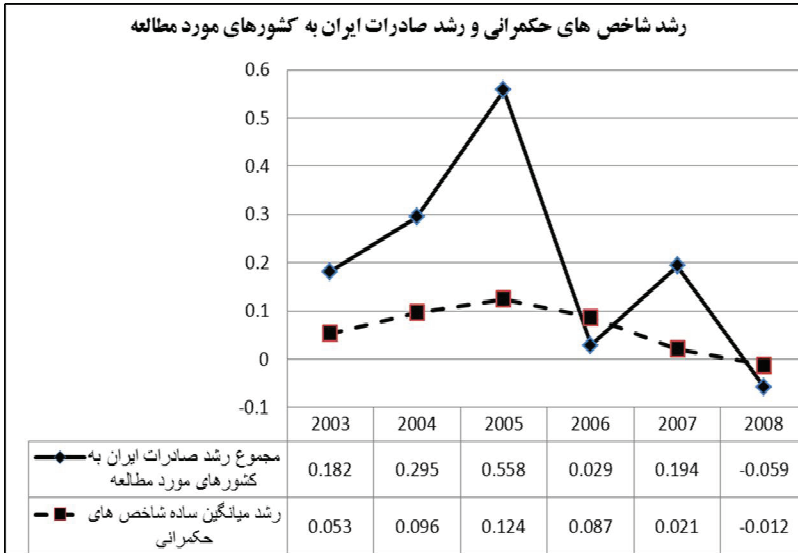
صادرات ایران در سال ۲۰۰۵ نیز ادامه یافت به طوری که در این سال کشور ایران از رشد ۰/۵۵۸ درصدی برخوردار بوده است. در سال ۲۰۰۶ صادرات ایران به کشورهای بیان شده با افزایش ۰/۲۹ درصدی به نسبت سال ۲۰۰۵ میلادی مواجه شد که این رشد به عدد ۰/۱۹۴ در سال ۲۰۰۷ میلادی رسید ولی در سال ۲۰۰۸ میلادی صادرات ایران به میزان ۰/۰۵۹ درصد کاهش یافت. رشد میانگین شاخص های حکمرانی نیز از روند تقریباً مشابهی برخوردار بوده است به این معنی که در مقایسه با سال ۲۰۰۲، میانگین شاخص های حکمرانی از رشد ۰/۰۵۳ درصدی برخوردار بوده اند که این میزان در سال های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ میلادی به ترتیب به ۰/۰۹۶ و ۰/۱۲۴ درصد رسیده است. در سال ۲۰۰۶ رشد این شاخص ها در مقایسه با سال قبل از آن به عدد ۰/۰۸۷ درصد رسید. در سال ۲۰۰۷ ما شاهد رشد ۰/۰۲۱ درصدی این شاخص ها بوده ایم ولی در سال ۲۰۰۸، این شاخص ها به میزان ۰/۰۱۲ درصد کاهش یافته اند.

نمودار ۱. وضعیت شاخص های حکمرانی در ایران



مأخذ: یافته های تحقیق

نمودار ۲. روند صادرات ایران و شاخص‌های حکمرانی



مأخذ: یافته‌های تحقیق

۵. مدل جاذبه

تینبرگن^۱ و پوی‌هانن^۲ نخستین افرادی بودند که از مدل جاذبه به منظور بررسی جریان‌های تجاری استفاده کردند. پس از آن مدل جاذبه به یک ابزار قوی برای بررسی تجارت خارجی تبدیل شد. این مدل همچنین در سایر مطالعات اقتصادی و به منظور مطالعه اثر جریان‌های مهاجرت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بکار می‌رود. براساس این مدل، صادرات کشورها به یکدیگر به وسیله اندازه اقتصادی کشورهای صادرکننده و واردکننده (درآمد ناخالص ملی یا درآمد ناخالص داخلی)، جمعیت کشورها، فاصله جغرافیایی کشورها و مجموعه‌ای از متغیرهای مجازی به منظور بررسی ویژگی‌های نهادها توضیح داده می‌شود.^۳ در مدل جاذبه فرض می‌شود مقدار تجارت بین دو کشور با افزایش اندازه اقتصادی (تولید ناخالص داخلی) آنها نسبت فزاینده‌ای داشته و با افزایش هزینه‌های حمل و نقل بین آنها یعنی افزایش فاصله جغرافیایی بین مراکز اقتصادی آنها رابطه معکوس دارد.^۴

1. Tinbergen, (1962)
2. Poyhonen, (1963)

۳. زارزسو و لهمن، (۲۰۰۳)، ص ۲۹۵.

۴. معلمی، (۱۳۸۰).

اثر نهادها بر روی تجارت دوجانبه کشورهای منتخب خاور میانه ۱۳

اگرچه مدل جاذبه در توضیح جریان‌های تجاری از قابلیت بالایی برخوردار است اما مطالعات کمی به منظور بررسی زیربنای تئوریک آن صورت گرفته است. در میان دیگرن، کار هلپمن و کراگمن^۱ و دیردورف^۲ نشان داده است که هم تئوری‌های جدید تجارت از تفکیک تولیدات و هم تئوری هکچر-اوهلین از مزیت نسبی می‌توانند یک منطق تئوریک برای مدل جاذبه از تجارت دوطرفه را فراهم کنند^۳. همچنین در یکی از مطالعات اخیر، اندرسن و وین کوپ^۴ با ارائه یک مدل جاذبه و تابع مطلوبیت با کشش جانشینی ثابت (C.E.S) به بیان مدلی پرداخته‌اند که به حل معمای مرزها^۵ کمک می‌کند.

۶. تصریح مدل

به منظور تخمین، کشورهای منتخب منطقه خاورمیانه در دوره زمانی ۲۰۰۸-۲۰۰۲ در نظر گرفته شده است. از میان کشورهای خاورمیانه، نه کشور بحرین، ایران، عمان، عربستان، امارات، اردن، یمن، قطر و کویت به دلیل امکان دسترسی به داده‌ها و اطلاعات مورد نظر انتخاب کرده‌اند. مدلی که در این مقاله در نظر گرفته شده است، به شرح زیر می‌باشد:

$$\begin{aligned} \ln X_{ijt} = & \beta_0 + \alpha_{ij} + \beta_1 \ln GDP_{it} + \beta_2 \ln GDP_{jt} + \beta_3 \ln POP_{it} \\ & + \beta_4 \ln POP_{jt} + \beta_5 \ln DIS_{ij} + \beta_6 \ln Colon_{ij} + \beta_7 \ln LANG_{ij} \\ & + \beta_8 \ln BOR_{ij} + \beta_9 \ln GOV_{it} + \beta_{10} \ln GOV_{jt} + U_{ijt} \end{aligned}$$

که در آن \ln نشان‌دهنده لگاریتم در پایه طبیعی و X نشان‌دهنده جریان تجاری بین کشور i و j در طول دوره زمانی t است و به بیانی دیگر بیان‌کننده میزان صادرات از کشور i به j می‌باشد. GDP_i و GDP_j به ترتیب تولید ناخالص داخلی کشور i ام و j ام است که سطوح بالاتر آن قدرت خرید جمعی بالاتر و عرضه صادرات بیشتر را منعکس می‌کند و روی تجارت دوطرفه اثر مثبت دارد. بعضی از پژوهشگران از درآمد سرانه در مدل جاذبه استفاده می‌کنند و برخی دیگر جمعیت را بجای درآمد سرانه بکار می‌گیرند که به مدل‌های جاذبه‌ای که در آنها از جمعیت استفاده شده

1. Helpman & Krugman, (1985)

2. Deardorff, (1998)

۳. زارزسو و لهمن، (۲۰۰۳).

4. Anderson and Wincoop, (2001)

5. Border puzzle

است، مدل جاذبه تعمیم یافته می‌گویند.^۱ به همین منظور و برای انتخاب متغیر مناسب و تصریح مدل، در ابتدا اثر لگاریتم طبیعی درآمد سرانه کشورهای صادرکننده و واردکننده بر روی شاخص‌های حکمرانی کشورهای مورد بررسی تخمین زده شده است (به این معنی که با افزایش درآمد سرانه کیفیت شاخص‌های حکمرانی و نهادها افزایش می‌یابد).^۲ براساس نتایج بدست آمده درآمد سرانه بر روی شاخص‌های حکمرانی اثر گذار است و همبستگی خطی این دو متغیر برابر ۰/۵۹ درصد است (نتایج تخمین در قسمت پیوست آورده شده است). به همین منظور در این مقاله به علت ایجاد همخطی بین درآمد سرانه و شاخص‌های حکمرانی (که هر چه درآمد سرانه افزایش یابد شاخص‌های حکمرانی نیز افزایش می‌یابد) از جمعیت استفاده شده است. POP_j و POP_i جمعیت کشورهای i ام و j ام را نشان می‌دهد و با توجه به نتایج تخمین تفسیرهای متفاوتی از آن می‌شود. DIS_{ij} نشان‌دهنده فاصله جغرافیایی بین مرکز دو شریک تجاری می‌باشد. فاصله باعث افزایش هزینه‌های حمل و نقل محصولات و افراد می‌شود. با افزایش فاصله امکان تجارت بین دو کشور کاهش می‌یابد، زیرا شرکایی که فاصله زیادی از یکدیگر دارند طبعاً نیازمند زمان و هزینه بیشتری می‌باشند تا کالا را مابین خود مبادله نمایند که این امر گاهی منجر به هزینه‌ای برابر با ارزش ذاتی کالاهایی که به موقع تحویل داده نمی‌شوند می‌گردد، بدین جهت اثر منفی روی تجارت دو طرفه دارد. برای بیان تاریخ مشترک جهت بررسی اثر سیستم اقتصادی و ساختار سیاسی مشابه بین دو کشور تجاری از متغیر مجازی $Colon$ استفاده می‌شود، به این صورت که اگر دو کشور، مستعمره مشترک یک کشور بودند عدد ۱ را می‌پذیرند و در غیر اینصورت عدد صفر. متغیر مجازی $LANG$ نشان‌دهنده زبان مشترک دو شریک تجاری است و اگر دو شریک تجاری دارای زبان مشترک باشند عدد ۱ و در غیر اینصورت عدد صفر را می‌گیرد. مزر مشترک (BOR) نیز یک متغیر مجازی است که هم مرز زمینی و هم مرز آبی را شامل می‌شود و با اگر دو کشور دارای مرز مشترک باشند عدد ۱ و در غیر اینصورت عدد صفر را دریافت می‌کنند. GOV_i و GOV_j به ترتیب کیفیت نهادها را در دو کشور i و j را بیان می‌کند. به منظور بررسی اثر کیفیت نهادها از میانگین ساده شش شاخصی که بانک جهانی به عنوان شاخص‌های حکمرانی معرفی کرده، استفاده شده است. α_{ij} بیانگر اثر متقابل دو کشور دارای رابطه تجاری و U_{ijt} نیز جمله اخلال مدل است که دارای میانگین صفر و واریانس مشخص در هر دوره زمانی می‌باشد.

۱. چنگ و هاوارد، (۲۰۰۵)، ص ۴۹.

۲. نتایج مربوط به تخمین این قسمت در پیوست آورده شده است.

اثر نهادها بر روی تجارت دوجانبه کشورهای منتخب خاور میانه ۱۵

آمارهای درآمد ملی و جمعیت کشورهای مورد مطالعه از بانک جهانی (سایت IMF)^۱ گرفته شده است و آمار صادرات و واردات بین کشورها از وب سایت Comtrade.un.org و داده‌های مربوط به شاخص‌های حکمرانی از سایت govindicators.org استخراج شده است. همچنین آمار مربوط به مسافت کشورها از سایت timeanddate.com و آمار مربوط به داشتن مستعمره مشترک از سازمان CEPII^۲ گرفته شده است، سپس با استفاده از ۴۳۱ مشاهده مدل بیان شده برآورد گردیده است.

برای تخمین مدل فوق از روش داده‌های تابلویی استفاده شده است که در آن مجموعه‌ای از داده‌های سری زمانی و مقطعی ترکیب می‌شوند. مزیت مدل‌های داده‌های تابلویی بر مدل‌های برش‌های مقطعی این است که در این مدل‌ها محقق می‌تواند انعطاف‌پذیری بیشتری در تبیین تفاوت‌های رفتاری فردی پدیده‌ها در طول زمان داشته باشد.^۳

مدل‌های داده‌های تابلویی اثرات ثابت^۴ اجازه می‌دهند که متغیرهای توضیحی مشاهده نشده (هم در حالت اثرات ثابت مقاطع و هم اثرات ثابت زمان) با متغیرهای توضیحی مشاهده شده همبسته باشند. اگر متغیرهای توضیحی مشاهده نشده اصلاً با متغیرهای توضیحی مشاهده شده وابسته نباشند باید از روش اثرات تصادفی^۵ استفاده کرد در این حالت مقادیر ثابتی که به هر مقطع داده شده است بصورت تصادفی سرتاسر واحدهای مقطعی توزیع شده است.^۶ در اقتصادسنجی پیشرفته اثرات تصادفی هم‌معنی همبستگی صفر بین متغیرهای توضیحی مشاهده شده و مشاهده نشده است.^۷

پس از تصریح مدل، برای بررسی امکان ترکیب داده‌های مقطعی و سری زمانی از آزمون F لیمر با درجه آزادی $(N-1, NT-N-K)$ استفاده می‌شود که K تعداد متغیرهای توضیحی، N تعداد واحدهای انفرادی، T تعداد دوره‌های زمانی و NT کل مشاهدات است. جهت تصمیم‌گیری بین روش اثرات ثابت و روش حداقل مربعات معمولی از آزمون F لیمر استفاده می‌کنیم. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که با احتمال ۹۵ درصد فرض H_0 مبنی بر یکسان بودن

1. International Monetary Fund

2. Centre d'Etudes Prospectives et d'Informations Internationales (CEPII)

۳. رحمانی و دیگران، (۱۳۸۵)، ص ۲۲۳.

4. Fixed effects

5. Random effects

۶. گرین، (۲۰۰۳)، ص ۲۹۳.

۷. وولدریج، (۲۰۰۲)، ص ۲۵۲.

عرض از مبدأ برای جفت شرکای تجاری (در اینجا کشورهای منتخب خاورمیانه) رد می‌شود (آماره F جدول با درجه آزادی صورت ۷۲ و مخرج ۴۳۱ برابر با ۱/۳۲۲۵ در سطح بحرانی ۹۵ درصد می‌باشد). آزمون فوق تنها به بررسی پذیرش و یا رد اثرات ثابت می‌پردازد و به وسیله این آزمون نمی‌توان با اطمینان به انتخاب اثرات ثابت پرداخت. جهت تصمیم‌گیری در مورد بکارگیری روش اثرات ثابت (FE) و یا تصادفی (RE) باید توجه داشت که روش اثرات ثابت معمولاً هنگامی کارایی دارد که کل جامعه آماری در نظر گرفته شود. در صورتی که اگر از بین جامعه بزرگی، نمونه‌هایی به صورت تصادفی (نمونه‌گیری) انتخاب شود، روش اثرات تصادفی کاراتر خواهد بود^۱. آزمون هاسمن^۲ برای تعیین روش تخمین در داده‌های تابلویی بکار می‌رود که آماره آن (H) دارای توزیع χ^2 با درجه آزادی K (تعداد متغیرهای توضیحی) می‌باشد. آزمون هاسمن در سال ۱۹۷۸ تهیه و ارائه شده است. فرضیه صفر این آزمون آن است که تخمین‌زن‌های اثرات ثابت و اثرات تصادفی اساساً اختلاف ندارند. اگر فرضیه صفر رد شود، نتیجه آن است که اثرات تصادفی درست نیست و استفاده از اثرات ثابت بهتر است^۳. با توجه به آماره هاسمن و در مقایسه با مقدار بحرانی آزمون (۱۸/۳۰۷)، فرض صفر مبنی بر استفاده از روش اثرات تصادفی در سطح ۹۵ درصد تأیید می‌شود. نتایج حاصل از آزمون F لیمر و آزمون هاسمن در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲. نتایج آزمون F مقید و آزمون هاسمن

نوع آزمون	آماره آزمون	مقدار آماره آزمون	p-value
F مقید	F	۲/۶۳۳۷۱۵	۰/۱۵۵۷۴
هاسمن	H	۶/۷۰۰۳۱۴	۰/۷۵۳۴

مأخذ یافته‌های تحقیق

۷. نتایج تخمین

همانطور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، نتایج تخمین نشان می‌دهد که همه ضرایب در سطح ۹۵ درصد معنی‌دار و با ثنوری سازگار است. ضرایب تولید ناخالص کشورهای صادرکننده و واردکننده دارای علامت مثبت بوده و از نظر آماری معنی‌دار است. به گونه‌ای که یک درصد

1. Egger, (2000)
2. Hausman Test

۳. گجراتی، (۱۳۸۷)، ص ۱۱۶۱.

اثر نهادها بر روی تجارت دوجانبه کشورهای منتخب خاور میانه ۱۷

افزایش در درآمد ملی کشور صادرکننده و واردکننده، حجم جریان تجاری بین آنها را به ترتیب به میزان بیش از ۰/۹ و ۰/۶۷ درصد افزایش می‌دهد. درآمد ملی به عنوان اندازه اقتصاد، ظرفیت و ساختار یک نظام اقتصادی مطرح است و همانطور که انتظار می‌رود، با افزایش آن حجم تجارت افزایش می‌یابد. ضریب جمعیت کشور صادرکننده و واردکننده نیز مثبت و از لحاظ آماری معنی‌دار است.

جدول ۳. نتایج حاصل از برآورد روش اثرات تصادفی

متغیر	ضرایب	آماره t
β_0	-۳۳/۳۸۰۹۶*	-۱۲/۰۷۸۴۵
$\ln GDP_i$	۰/۹۰۵۰۳۰*	۱۰/۶۷۷۷۳
$\ln GDP_j$	۰/۶۷۵۴۳۵*	۸/۰۱۹۴۸۷
$\ln POP_i$	۰/۴۹۵۸۱۴*	۴/۱۹۶۱۵۱
$\ln POP_j$	۰/۳۲۱۲۸۷*	۲/۶۲۵۸۷۰
$\ln DIS_{ij}$	-۰/۲۶۸۹۹۱*	-۲/۹۴۲۶۹۲
BOR_{ij}	۱/۱۵۰۱۵۳*	۷/۰۳۱۵۴۷
$LANG_{ij}$	۱/۵۴۲۴۵۵*	۷/۰۸۰۳۰۴
$Colon$	۰/۵۰۴۸۶۲*	۲/۸۸۸۵۴۹
GOV_i	۱/۵۸۰۸۹۳*	۶/۸۵۵۹۹۳
GOV_j	۰/۷۱۷۶۹۷*	۳/۰۴۱۲۲۲

تعداد مشاهدات: ۴۳۱ R^2 تعدیل یافته: ۰/۶۶۶۱۳۸ احتمال آماره F : ۰/۰۰۰۰۰

* معنی‌داری در سطح ۹۵ درصد را نشان می‌دهد.

مأخذ: یافته‌های تحقیق

براین اساس می‌توان اینگونه استدلال کرد که کشور صادرکننده بیشتر به صادرات کالاهایی می‌پردازد که به نیروی کار نیازمند است و به همین خاطر با افزایش جمعیت صادرات کالاهای کاربر بیشتر می‌شود به صورتی که افزایش یک درصدی جمعیت باعث افزایش ۰/۵ درصدی صادرات در کشور صادرکننده می‌گردد. در کشور واردکننده نیز با افزایش جمعیت نیاز به واردات تا میزان ۰/۳۲ درصد افزایش می‌یابد. ضریب فاصله مطابق آنچه پیش‌بینی می‌گردید، منفی است به طوری که با افزایش در فاصله میزان تجارت به اندازه ۰/۲۶ درصد کاهش می‌یابد و

لذا هر چه فاصله بین شرکای تجاری افزایش یابد از میزان صادرات کالاها کاسته می‌شود. با توجه به نتایج تخمین در خصوص ضریب مثبت و معنی‌دار تاریخ مستعمری مشترک به این نتیجه می‌رسیم که اگر دو کشور تاریخ مستعمراتی مشترک داشته‌اند تجارت بین آنها افزایش می‌یابد. ضریب متغیر مجازی زبان مشترک نیز مثبت و از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد و به این معنی است که داشتن زبان مشترک تجارت را افزایش می‌دهد. داشتن مرز مشترک آبی یا زمینی نیز از جمله عواملی است که بر تجارت دو جانبه کشورها از جهت کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل اثرگذار است به گونه‌ای که ضریب متغیر مجازی مرز مشترک، مطابق آنچه انتظار می‌رفت مثبت است و نشان‌دهنده تأثیر مثبت بر روی تجارت می‌باشد. ضریب شاخص نهادها در این تخمین گویای اثر مثبت آن بر روی تجارت می‌باشد. افزایش عملکرد و کیفیت نهادها در داخل کشور با اثر مثبت روی تجارت، تجارت را تا بیش از ۱/۵۸ درصد افزایش می‌دهد. همچنین وجود نهادهایی با عملکرد شفاف و درست در کشور مقابل نیز باعث افزایش ۰/۷ درصدی در تجارت می‌گردد. این نتایج می‌تواند به تأیید نظریه اقتصاددانانی بپردازد که معتقدند افزایش کیفیت نهادها بخاطر کاهش ناطمینانی و هزینه‌های ناملموس معاملات می‌تواند به افزایش تجارت خارجی منجر گردد. R^2 تعدیل شده مدل برآورد شده برابر ۰/۶۶ درصد است و حاکی از آن است که ۶۶ درصد جریان تجاری کشورهای مورد مطالعه توسط متغیرهای لحاظ شده توضیح داده می‌شود.

۸. نتیجه‌گیری

این مقاله به بررسی اثر نهادها بر روی تجارت دو جانبه کشورهای منتخب خاورمیانه پرداخته است و به علت در دسترس نبودن آمار تجارت دو جانبه تمامی کشورهای این منطقه به یکدیگر، کشورهای بحرین، ایران، عمان، عربستان، امارات، اردن، یمن، قطر و مورد بررسی قرار گرفته‌اند. کیفیت نهادها یکی از عوامل مهم تعیین‌کننده ناطمینانی و فرصت‌طلبی در بازار مبادله است. کیفیت ضعیف نهادها هزینه‌های مبادله را افزایش می‌دهد. براساس نتایج بدست آمده از این پژوهش، کیفیت نهادها اثری قابل توجه، مثبت و معنی‌داری روی جریان‌های تجاری دوطرفه کشورهای مورد مطالعه به همراه دارد. به گونه‌ای که با توجه به نتایج تخمین، یک واحد افزایش در بهبود عملکرد نهادهای داخلی و خارجی تجارت را به میزان ۱/۵۸ و ۰/۷ درصد افزایش می‌دهد. این مسأله لزوم توجه به نهادها را بیش از پیش مشخص می‌نماید. افزایش بازدهی و کیفیت نهادها می‌تواند به افزایش تجارت میان کشورهای این منطقه کمک نماید و از این راه باعث

اثر نهادها بر روی تجارت دوجانبه کشورهای منتخب خاور میانه ۱۹

افزایش رشد اقتصادی این کشورها گردد. مسلماً دستیابی به رشد پایدار اقتصادی در بلندمدت نیازمند یک محیط پایدار و امن به همراه نهادهای کارا برای شکل‌گیری فعالیت‌های اقتصادی است و به همین خاطر می‌توان گفت که افزایش کیفیت نهادها از جمله ملزومات رشد باثبات است. کافمن معتقد است که پیشرفت و بهبود حاکمیت قانون (از جمله شاخص‌های حکمرانی) به رشد کمک می‌کند. از دیدگاه وی تعداد کمی از کشورها به رشدهای اقتصادی خوبی دست پیدا کرده‌اند بدون اینکه حاکمیت قانون خود را بهبود بخشیده باشند و کشورهایی که بدون چنین پیشرفت‌هایی به رشد دست یافته‌اند متعاقباً پسرفت‌هایی را نیز تجربه کرده‌اند. براین اساس افزایش و ارتقا سطح کیفی شاخص‌های حکمرانی باید مورد توجه ویژه کشورهای مورد مطالعه قرار گیرد. تشکیل گروه‌هایی که با مطالعه روی هر شاخص، نقاط ضعف و قدرت کشورها در شاخص مورد بررسی را شناسایی نمایند و اجرای سیاست‌های مناسب به منظور ارتقا جایگاه کشورها در این شاخص‌ها باید در اولویت کشورهای مورد مطالعه قرار گیرد. همچنین با توجه به جایگاه نامناسب کشورمان در شاخص‌های حکمرانی نیاز به برنامه ویژه و مدون به منظور بهبود عملکرد نهادهای کشور ضروری است.

منابع

الف- فارسی

رحمانی، میترا، منصور، عسگری و محمدرضا، عابدین (۱۳۸۵)، «دستاوردهای تجاری تشکیل بلوک منطقه‌ای در مرکز قاره آسیا»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، سال ۱۰، شماره ۳۸، صص. ۲۱۳-۲۳۶.

عیسی‌زاده، سعید و اکبر، احمدزاده (۱۳۸۸)، «بررسی اثر عوامل نهادی بر رشد اقتصادی با تکیه بر نهادهای حاکمیتی (مطالعه موردی بین کشوری برای دوره ۱۹۹۶-۲۰۰۵)»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال ۱۳، شماره ۴۰، صص. ۱-۲۸.

گجراتی، دامور (۱۳۷۸)، «مبانی اقتصاد سنجی»، ترجمه حمید ابریشمی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم.

متوسلی، محمود، سیدمحمدعلی، حسینی‌زاده و علی، نیکونستی (۱۳۸۸)، «نهادگرایی و تأثیر نظریه سرل در مورد نهادها بر آن»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال نهم، شماره چهارم، صص. ۱۱۳-۱۳۶.

معلمی، مژگان (۱۳۸۰)، «یکپارچگی تجاری در اتحادیه ملت‌های جنوب شرقی آسیا (ASEAN)، کاربرد یک مدل جاذبه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشکده اقتصاد و علوم اداری دانشگاه اصفهان.

ب- انگلیسی

Anderson, J.E. and E. van Wincoop (2001), "Gravity with Gravitas: A Solution to the Border Puzzle", NBER Working paper 8079.

Anderson, J.E. and D. Marcouiller (2002), "Insecurity and the Pattern of Trade: An Empirical Investigation", *Review of Economics and Statistics*, vol. 84, pp. 342-352.

Berkowitz, D., J. Moenius and K. Pistor (2004), *Michigan Journal of International Law*. no. 26 (1), pp. 163-198.

Cheng, I.H. and J.W. Howard (2005), "Controlling for Heterogeneity in Gravity Models of Trade and Integration", *Federal Reserve Bank of St. Louis Review*, vol. 87(1), pp. 49-63.

De Groot, H.L.F., G.J. Linders, P. Rietveld and U. Subramanian (2003), "The Institutional Determinants of Bilateral Trade Patterns", World bank, Washington.

Deardorff, A.V. (1998), "Determinants of Bilateral Trade: Dose Gravity

- Work in a Neoclassical World?”, in: J. Frankel (ed.), *The Regionalization of the World Economy*, Chicago: University of Chicago Press.
- Dollar, D. and A. Kraay (2003), “Institutions, Trade and Growth”, *Journal of Monetary Economics*, vol. 50 n1, pp. 131-162.
- Easterly, W. and R. Levine (2002), “Tropics, Germs, and Crops: How Endowments Influence Economic Development”, Paper Prepared for the Carnegie Rochester Conference on Public Policy.
- Egger, P. (2000), “A Note on the Proper Econometric Specification of the Gravity Equation”, *Economics Letters*, vol. 66, pp. 25-31.
- Frankel, J. A. and D. Romer (1999), “Does Trade Cause Growth?”, *The American Economic Review*, vol. 89(3), June, pp. 379- 399.
- Gani, A. and B.C. Prasad (2006), “Institutional Quality and Trade in Pacific Island Countries”, *ARTNeT Working Paper Series*, no. 20.
- Greene, William H. (2003), “Econometric Analysis”, 5th Edition, New Jersey; Prentice Hall, Inc.
- Hall, R.E. and C.I. Jones (1999), “Why Do Some Countries Produce So Much More Output per Worker than Others?”, *The Quarterly Journal of Economics*, vol. 114, pp. 83-116.
- IMF. (2009), *World Economic Outlook*.
- Jansen, M. and H.K. Nordas (2004), “Institutions, Trade Policy and Trade Flows”, *World Trade Organization*, CEPR Discussion Paper, no. 4418.
- Kaufmann, D., A. Kraay and M. Mastruzzi (2009), “Governance Matters VIII: Aggregate and Individual Governance Indicators 1996–2008”, *World Bank Policy Research Working Paper*, no. 4978, Washington, D.C.
- Kaufmann, D., A. Kraay and P. Zoido-Lobaton (1999), “Governance Matters”, *World Bank Policy Research*, Department Working Paper, no. 2196.
- Kaufmann, D., A. Kraay and P. Zoido-Lobaton (2002), “Governance Matters II—updated Indicators for 2000/01”, *World Bank Policy Research*, Department Working Paper, no. 2772, Washington, DC.
- Knack, S. and P. Keefer (1995), “Institutions and Economic Performance: Cross-Country Tests Using Alternative Measures”, *Economics and Politics*, vol. 7, pp. 1251-1288.
- Lavallée, E. (2005), “Institutional Similarity, Institutions’ Quality and Trade”, European trade study group, etsg.org/ETS2005/papers.
- Obstfeld, M., and K. Rogoff (2000), “The Six Major Puzzles in International Macroeconomics: Is There a Common Cause?”, in: *NBER Macroeconomics*.
- Olson, M. (1996), “Big Bills Left on the Sidewalk: Why Some Nations

- are Rich, and Others Poor?", *Journal of Economic Perspectives*, vol. 10, pp. 33-24.
- Quy-Toan Do a, Andrei A. Levchenko (2008), "Trade, Inequality, and the Political Economy of Institutions", *The World Bank, Department of Economics*, MI 48109, USA.
- Rauch, James E. (1999), "Networks Versus Markets in International Trade", *Journal of International Economics*, vol. 48, pp. 7-35.
- Sekkat, Kh. and P.G. Meon (2008), "Institutional Quality and Trade: which Institutions? Which trade?", ULB Institutional Repository 2013/7372, ULB -- Universite Libre de Bruxelles.
- Tinbergen, J. (1962), "Shaping the World Economy", New York: Twentieth Century Fund.
- Wooldridge J.M. (2002), "Econometric Analysis of Cross Section and Panel Data", Cambridge. M.A.; The MIT Pres.
- Zarzos, I. M. and F.N. Lehman (2003), "Augmented Gravity Model: An Empirical Application to MERCOSUR-EUROPEAN united Trade Flows", *Journal of applied economics*, vol. 6, pp. 291-316.

Archive of SID

همبستگی خطی شاخص‌های حکمرانی و درآمد سرانه

به منظور بررسی اثر درآمد سرانه بر روی شاخص‌های حکمرانی دو معادله زیر برآورد گردیده است که نتایج آنها در جدول ۱ بیان گردیده است.

$$GOVINDH_{it} = \beta_0 + \beta_1 \ln GDPPC_{it} \quad \text{معادله نخست}$$

$$GOVINDH_{jt} = \beta_0 + \beta_1 \ln GDPPC_{jt} \quad \text{معادله دوم}$$

جدول ۱. نتایج حاصل از برآورد درآمد سرانه بر روی شاخص‌های حکمرانی

متغیر وابسته: شاخص‌های حکمرانی کشورهای صادرکننده	ضرایب	آماره t
β_0	-۳/۲۶۶۹۷۳*	-۲۶/۸۵۸۷۷
$GDPPCH_{it}$	۰/۳۵۶۳۵۲*	۲۷/۱۶۰۷۵
R^2 تعدیل یافته معادله نخست: ۰/۵۹۴۲۵۹		
متغیر وابسته: شاخص‌های حکمرانی کشورهای واردکننده	ضرایب	آماره t
β_0	-۳/۲۴۴۸۸۳*	-۲۶/۸۰۶۷۳
$GDPPCF_{jt}$	۰/۳۵۳۷۰۹*	۲۷/۰۹۰۲۶
R^2 تعدیل یافته معادله دوم: ۰/۵۹۳۰۰۳		

* معنی داری در سطح ۹۵ درصد را نشان می‌دهد.

مأخذ یافته‌های تحقیق

Archive of SID